

مناظره مسلمان و داروین

۴- اخلاق

مسلمان - داروین! خدا بشما عافیت دهد، از معلومات پراج خود بما ارزانی دار، که ما تشنه چشمه های خروشان دانش و فرهنگ شما هستیم! درباره اصل پیدایش (اخلاق) چه میگوئید؟ وجه تحولی در آن پدید آمده تا بصورت کنونی در آمده است؟

داروین - با من شوخی نکنید، زیرا من از او هام سخن نمی رانم، آنچه با شما میگویم نتیجه تجربیات علمی است، نه گفتار پیامبران و صالحین!!
مسلمان! لطفاً از معلومات خود بر ما ارزانی دارید! پیدایش اخلاق چگونه بوده است؟

داروین - ناگزیریم که ابتداء بدو مطلب با اهمیت اشاره کنیم، تا بریشه اخلاق پی ببریم، آن دو مطلب عبارتند از:

۱ - توتم (۱)

۲ - تبو (۲)

اما توتم، عبارتست از حیوانی محترم، که کشتن آن جایز نباشد.

و اما تبو، عبارت بوده از چیزهای حرام نزد اقوام وحشی.

و این دو چیز سبب پیدایش محرمات شد، و محرمات نیز پدید آورنده اخلاق است.

(۱) Toleme نام حیوانی است، و توتمیسم عبارتست از حیوان پرستی

که در کیش های بدوی بوده است.

(۲) Taboo در زبانهای بومیان استرالیا می افریقائی عبارتست از

چیزهاییکه بوسیله دین حرام شده است (تاریخ ادیان ص ۹۰۹)

مسلمان - لطفاً شرح دهید !!

داروین - زنان وحشی در آن زمان نمیدانستند که مردان سبب بارداری آنان میشوند، هنگامیکه گذارشان بر یک مارویا یک تم قمک میافتاد، و یا پرنده و حیوانی از چپو راست آنان میگذشت، گمان میکردند که آن حیوان سبب حاملگی و زائیدن آنان شده است. و پس از آنکه میزائیدند و فرزندشان بزرگ میشد، این حیوان برای آنان (توتم) و فال نیک بحساب میآمد.

حق نداشتند این حیوان را بکشند یا آنرا بیازارند، زیرا مادر بخیال خود میان این حیوان و فرزندش رابطه ای مبینداشت، و چه بسا ریشه تقدیس برخی از حیوانات از همینجا بوده است.

این بود منشأ پیدایش (توتم) فال نیک.

مسلمان - اجازه بدهید، پیش از آنکه از (تبو) سخن بگوئید از شما

چیزی بپرسم؟

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

داروین - چه پرسشی دارید؟

مسلمان - چگونه این سخنان را در باره (توتم) گفتید؟

و بجهت دلیل زنان در آ بستی خود، حیوانات را سبب میدانسته اند، نه مردان را؟

داروین - من دلیلی ندارم، جز اینکه میدیدم برخی از مردم بدستهای

از حیوانات احترام میگذاشتند. گفتیم: لابد علتش این بوده است.

مسلمان - آیا این خیالها آنها هم از دانش است؟

طرز استدلال شما شباهت کامل دارد، با آنچه نقل میکنند:

که دسته ای از مردم وحشی کاسه لاک پشت مرده ای را پیدا میکنند، و

هر چه فکر میکنند نمیفهمند چیست! آنرا برداشته بنزد رئیس خود میبرند

و جریان را از او میپرسند؛ او هم پس از آنکه مقداری بر نادانی قبیله خود تأسف می -

خورد میگوید: این، یکی از دو چیز است:

دلمه (که از برگ مو و برنج و روغن و گوشت و مقداری شکر درست میشود)

یا کبوتر!

سپس بزرگ قبیله استدلال می نماید که من همه چیز را میدانم بجز این

دو چیز اولاد این کاسه لاک پشت هم یکی از آن دو چیزی است که من نمی دانم .
 ولی داروین ! مصیبت شما بزرگتر است ، زیرا آن رئیس نادان نمیخواست
 نتیجه بگیرد که : این لاک پشت منشأ پیدایش جهان است ، ولی شما دارید با این افکار
 پوچ منشأ پیدایش انسان . . زندگی . . دین و اخلاق را ثابت می کنید .
 از (توتم) شما گذشتیم .

حالا لطفاً (تبو) را شرح بدهید .

داروین - تبو . لفظی است در زبان بومیان استرالیا ، افریقائی که
 دانشمندان آنرا بچیزهاییکه در نظر اقوام وحشی حرام است میگویند ، و فکر
 تحریم در نظر وحشیان بطوریکه از این کلمه بدست می آید ، بدین طرز است :
 برای نمونه : زن پدر برای فرزندان (تبو) است ، یعنی : بر فرزندان حرام
 است که بزنی پدر خود نگاه کنند ، یا با او معامله کنند ، هر گاه این عمل حرام را
 انجام دادند ، آنان نیز بر قوم خود (تبو) میشوند ، یعنی بر مردم قبیله حرام است
 که با آنان نگاه کنند ، و یا با آنان معامله نمایند .

پنا بر این اگر کسی چیزیرا که نزد اقوام وحشی حرام بود انجام میداد ،
 نجس میشد ؛ و بر افراد دیگر حرام بود که با او نگاه کنند بعبارت دیگر : هر کس
 مرتکب (تبو) (حرام) میشد خود نیز (تبو) (حرام) میگردد .

از این (تبو) بود که اخلاق پدید آمد زیرا انسان بدین وسیله فهمید که چه
 چیز برایش جایز است ، و نمیتواند بجا آورد ، و از چه چیزی بایست دوری
 نماید (۱)

بنظر من منشأ پیدایش اخلاق این بود .

مسلمانان - بنظر من استدلال شما مانند شعر معروفست :

كلنك از آسمان افتاد و نشكست

من از بوی دل آویز تو مستم !!

ای استاد ! از کجا باصل (تبو) پی بردید ؟ و چگونه آنرا با اخلاق ارتباط دادید

(۱) به بحث نظریه تطویر و اصل انسان از کتاب سلامه موسی ، مراجعه

آیا اینکه راستگویی خوب است و دروغگویی زشت است یا اینکه : امانت - داری پسندیده ، و خیانتکاری نکوهیده است یا اینکه : گوشت گوسفند حلال است ، چون مفید است ، و گوشت خوک حرام است برای آنکه زیان آور است یا .. یا .. به (تبه) ارتباط دارد ؟ و چنانچه فرض کنیم (تبه) نمی بود ، آیا عقل باین مطالب حکم نمیکرد ؟

مگر بگوئیم : استاد توانای ما ، روش کارل (مارکس) را پیش گرفته است که میگوید : اخلاق از خیالباقیهای برژوائی است . ولی مگر - مارکس - پس از داروین نبوده است ؟ پس چگونه داروین از او آموخته است ؟

باید گفت : در منطق تحول و تطور مانعی ندارد که گذشتگان از آیندگان دانش بیاموزند ! مگر در تطور و تحول همه چیز یافت نمیشود ؟

بنابراین بایستی بایک انقلاب ، معلول بر علت خود جلو افتد . گذشته از همه این حرفها

جناب داروین آیا پاسخی از این اشکالات دارید ؟
داروین - فکر خواهم کرد .

مسلمان - فکر کن .

ولی امیدوارم که این جواب دیگر از سری نظریه‌هایمان درباره اخلاق ، دین زبان و ... نباشد .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵ - تمدن انسانی

مسلمان - تمدن دارای معنای وسیعی است . زیرا مشتمل است بر :

کشاورزی ، آشپزی ، لباس ، وسائل ، ازدواج و چیزهای دیگر ...

جناب داروین ! عقیده شما در اصل تمدن انسانی چیست ؟

داروین - :

کشاورزی

انسان پس از آنکه از طبیعت میمونی با انسان تبدیل شد ؛ صدها هزار

سال سهری شد که همان از گیاهان خشکیده زمین استفاده میکرد و هنوز از کشاورزی خبر نداشت ، بشر کشاورزی را از راه دفن مردگان یاد گرفت ، زیرا هنگامیکه مردگان خود را بخاک میسپرد ، بخیال آنکه پس از مردن نیز بخوراک نیاز دارد ؛ برخی از میوه جات را در قبر او میگذارد تا (هنگام گرسنگی) بخورد .
 قهر آتخمه هائی که در میوه جات بود رشد میکرد ؛ بلکه بواسطه جنازه مرده که خود کود بسیار خوبی است ، دانه بسرعت رشد می نمود ، این جریان بود که ذهن انسان را بکشاورزی آگاه ساخت .

مسلمان - چه دلیلی برای این مطلب دارید؟

داروین - این نظریه ای بود که خودم بآن پی برده ام ، اگر شما نمی پذیرید بفرمائید که انسان کشاورزی را از کجا آموخته است؟

مسلمان - بملانصر الدین گفتند : مرکز زمین کجا است؟ در پاسخ گفت : همینجا که الاغم ایستاده ، اگر قبول ندارید ، بفرمائید متر کنید و نیز باو گفتند : شماره ستارگان آسمان چند است ؟ گفت : شماره موهای بدن الاغم ، اگر باور نمیکنید بشمارید !!

دلیل شما هم که میگوئید : وگرنه سبب چیست ؟ عیناً مانند گفته ملاست .

خوب چه عیبی دارد همانگونه که دین میگوید ، بگوئیم کشاورزی هم از راه وحی بانسان تعلیم گردیده است؟

از این گذشته چه مانعی دارد بگوئیم : راه پی بردن انسان باصول کشاورزی آن بود که می دید گیاهان از زمین میرویند ، گیاهی را برداشت و در جای دیگر نهاد ، گیاه در آنجا روئید و از همین عمل بکشاورزی پی برد ؟

داروین - فکر خواهم کرد !

مسلمان - هی فکر کن .

بنظر شما علت پیدایش آشپزی چه بود .

داروین -

آشپزی

پیدایش آتش - انسان قدیم آتش را نمی شناخت ، ولی از گیاهان و

شکارها استفاده می نمود ؛ لابد اولین باری که انسان با آتش روبرو می شود ، همان هنگام گرمای تابستان و در جنگلها بوده است که در آن وقت پوشاله های خشک و حرارت باهم جمع میشوند و بیشتر در پیشه ها آتش سوزی رخ میدهد .
این بود ابتدای آشنائی انسان با آتش .

اما چونکی بدست آوردن آتش ، تا کنون معلوم نشده است ولی گمان می رود انسان مشاهده کرده است وقتی دوسنگ بهم دیگر برخورد می کرده اند از برخورد آنها آتش پدید می آمده است ، انسان نیز برای گیراندن آتش از آن وسیله استفاده کرده . و به همین جهت است که می بینیم هنوز مردم برای گیراندن آتش از چتماق استفاده می نمایند از اینجا بود که مردم آتش را شناختند و با شپزی پرداختند .

☞ گوشت خواری

اما اینکه انسان چگونه به پختن گوشت پی برد ، پس از آنکه فهمیدیم انسان علم خوار بچه طرز بگوشت خواری معتاد شد ، این معنی آسان می گردد .
سبب گوشت خواری انسان اینست که : انسان از اول با خوردن گوشت می خواست نیرومند گردد ، این عادت در ابتدا از آنجا بود که انسان میل داشت آن نیروی بدنی را که در مردان کشته و یا مرده هست ؛ برای خود بدست آورد ، لذا قلب و دماغ و یا عضودیکر مرده را می خورد . تا مانده او دلیر و پر جرات شود ، کم کم کار گوشت - خواری از این مرحله تجاوز نمود و بخوردن گوشت حیوانات کشید .

☞ پخت و پز گوشت

در یکروز تابستانی بسیار گرم که شکاری بچنگ آورده بود مقداری از آنرا خورد و بقیه را روی سنگهای داغ بیا بان رها کرد ، پس از مدتی گرسنه شد و سراغ باقیمانده گوشت که روی سنگهای گرم پخته شده بود ، رفت و بخوردن گوشتها پرداخت ، دید که : این گوشت مزه بهتری دارد ، از آن پس همیشه گوشت را بوسیله سنگهای داغ بیا بان و بعداً با آتش می پخت ، و از اینجا بود که انسان به پختن گوشت پی برد - مترجم .

مسلمان - این فلسفه دور و دور از راد پدایش آتش و آشپزی و گوشت خواری از

کجا بدست آوردید ؟

داروین - اینطور فکر میکنم و شاهد این موضوع اینکه برخی از مردم عادت بگوشنخواری ندارند، و بازمی بینیم در میان وحشیان رسم است که قاتل بعضی اعضاء مقتول را میخورد .

مسلمان - چه رابطه ای میان این دو مطلب و بحث شماست ؟
 آری : درستش همان بود که گفتمی : بذهنت خطور کرده است همانگونه که پیش از این چیزهایی بذهنت خطور میکرد . و همگی بر وسعت فرهنگ شما دلالت می نمود !! از این اشکال چه پاسخی میدهید ؟
 داروین - فکر خواهم کرد .

مسلمان - فکر کن !

بنظر شما سبب پیدایش لباس چه بود؟ (بقیه دارد)

دستوری بزرگ!

من اکرمک فاگره، ومن استخف بک فاگرم نفسک عنه .
 «هر کس تو را گرامی دارد (و بزرگ شمارد) او را گرامی دار ، و هر کس تو را سبک شمارد (و بی احترامی نماید) پس تو خوشتن را گرامی دار و از بی حرمتی او نگهدار !» .
 (امام صادق علیه السلام)